

موقوفات آستان قدس رضوی در افغانستان، آسیای میانه و قفقاز

علی کریمیان

گاه فرزند آدم بمیرد عمل او قطع می شود. مگر از سه چیز: صدقه جاریه (وقف) علمی که از آن سود برده شود و یا فرزند صالحی که برای او دعا کند. پیامبر اسلام در حدیث دیگری درباره اهمیت وقف می فرماید: «ان مما یلحق المؤمن من عمله و حسناته بعد موته، علماً نثراً و ولداً صالحاً ترکته، و مصحفاً ورثته، او سجداً بناه او بیتاً لاین السبیل بناه، او نهرأجره، او صدقه آخر جهامه فی صحته و حیاته، تلحقه من بعد موته» (از جمله اعمال و نیکیهای مومن که بعد از مرگ بدو می رسد، دانشی است که منتشر کرده باشد، و فرزند پارسایی است که به جا گذاشته باشد، و قرآنی است که به ارث گذاشته باشد، یا خانه ای که برای کاروانیان (در راه مانده) پیا کرده باشد، یا نهری که به کمک او جریان یافته باشد، یا مالی که در دوران صحت و حیات از مال خویش جدا کرده باشد؛ همه اینها پس از مرگ بدو می رسد). (۵)

از نظر عملی نیز پیامبر (ص) در این امر خیر، همانند سایر کارهای نیک، معلم بشریت بودند، چنان که در تاریخ اسلام آمده است: پیغمبر اکرم زمینی را وقف کرد و منافع آن را برای ابن سبیل (۶) صدقه قرار داد. (۷) ابن هشام درباره موقوفات آن حضرت می فرماید: نخستین موقوفه در اسلام زمینهای مخیرق (۸) است که به موجب وصیتی در اختیار پیامبر گذاشته شده بود، وقف کرد و سپس باغهایی بود به نام «حیطان سبعه» (باغهای هفتگانه) الاغواف، الصافیة، الدلال، والشیب، البرقه، حسنا، مشربه ام ابراهیم (به نام زوجه حضرت رسول نامیده شده) و در مدینه وقف گردید. از جمله موقوفات حضرت سول اکرم می باشد. (۹)

همچنین حضرت علی (ع) فرمودند: از کوفه تا بخارا هزار و یک مسجد بنا کنند که تعدادی از این مساجد وقف شده و دارای موقوفه می باشند، از جمله مسجد جامعه سمنان یکی از این بناهاست (۱۰). و روایت شده است که حضرت فاطمه (س) نیز باغستان خود را در مدینه وقف کرد. (۱۱) سایر ائمه هم ملک و اموالی در راه خدا برای رفع نیاز فقرا و مستمندان و خویشان وقف کرده اند، چنانکه به قرار مشهور باغهایی که در محله نخاوله مدینه به نام «باغ صبا» و «باغ مرجان» وجود دارد از موقوفات امام حسن مجتبی (ع) یا علی بن الحسین (ع) است. (۱۲)

بعد از آن توسعه وقف در جامعه اسلامی ایران با تصرف زمینهای «مفتوح العنوه» آغاز می شود، زیرا اینگونه اراضی در حکم وقف است. ماوردی از امام مالک نقل کرده است: «قول صحیح آن است که زمین مفتوحه از زمانی که فتح شده و وقف مسلمین می باشد، بدون آنکه به انشاء صیغه از طرف ولی امر نیاز باشد». (۱۳)

«وقف از جمله مظاهر برجسته و پایدار احسان و نیکوکاری، خدمت به هموعان، کمک به مصالح جامعه و تنظیم امور اجتماعی و اقتصادی است. این سنت حسنه در میان بسیاری از ملتها و ادیان و مذاهب به گونه های مختلف رایج بوده است.

تاریخ و فرهنگ و آیین دیربای مانیز با سنت وقف و آثار پر خیر و برکت آن در آمیخته است. آنچه از کتب و نوشته های ایران باستان بر می آید سنت «وقف» در ایران پیشینه ای بسیار طولانی دارد. در آن زمان نذر و نیاز و پیشکش با نام «اشوداد» (بخشش در راه دین خدا) که صرفاً جنبه تقرب به خدا داشته، متداول بوده است.

اما با ورود اسلام در ایران، فصل جدیدی در حیات معنوی این سرزمین گشوده شد. سنت پسندیده وقف با تأثیر پذیری از جهان بینی اسلامی و اعتقاد به معاد به صورتی استوار و جهت دار مطرح گردید و روز به روز بر شمار موقوفات گوناگون افزوده شد. از آن جایی که وقف از مصادیق بارز «صدقه جاریه» است و بالقوه ظرفیت بسیاری برای حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد؛ می توان برای تحقق منافع عمومی، تأمین آسایش و بهبود فعالیت های جامعه، نقش موثری ایفا نماید و از نظر اخلاقی نیز بارزترین تجلی روحیه تعاون اجتماعی است. (۱)

در خصوص اثرات وضعی و یاداش اخروی امور خیر، آیاتی در خصوص «تعاون» «انفاق» «بر» «احسان» «خیرات» «باقیات صالحات» و در سوره های مختلف قرآن آمده است که عمده بیانگر این موضوع است، از آن جمله: «آیه ۹۲ از سوره آل عمران. آیه ۱۱۰ از سوره منافقون. آیه ۱۷۶ از سوره مریم و آیه ۴۶ از سوره کهف)

در احادیث نبوی و روایات اهل بیت نیز تأکیدات فراوانی در این باره شده است، و بعد از پیدایش اسلام وقف در جامعه اسلامی به عنوان یکی از سنت های پسندیده همواره مورد توجه و علاقه مسلمانان بوده است. (۲) این سنت نیکو از زمان تشریع و روزگار رسول خدا و امامان علیهم السلام و زمان صحابه تا روزگار تابعین و تابعان آنها ادامه یافت (۳) و موقوفات به صورت گسترده و در زمینه های متنوعی در جامعه آشکار شد، (۴) بطوری که در بسیاری از وقتنامه ها استاد به آیات شریفه قرآن و روایات پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین شده است، و واقف با تاسی و تبعیت از قول و فعل پیامبر اکرم و ائمه اقدام به وقف کرده اند که در بسیاری از این وقتنامه ها این حدیث مشهور از پیامبر اکرم به چشم می خورد: که می فرماید: قال رسول الله: «اذا مات ابن آدم انقطع عمله الا من ثلاث: صدقه جاریه، او علم یفیع به، او ولد صالح یدعوه للبخیر» هر

«اوقاف» بوجود آمد که به کار مساجد و اراضی موقوفه رسیدگی می کرده است، ولی قبل از آن وظیفه اداره اوقاف بر عهده قضات بوده است. از بوجود آمدن دیوان اوقاف معلوم می شود که در این روزگار نیز موقوفات نسبتاً فراوان بوده است که دیوانی برای اداره آنها بوجود آمده است (۱۹). در این عصر مدرسی در ماوراءالنهر و خراسان تاسیس و دایر گشت چنانکه در تاریخ بخارا آمده است، (اسماعیل بن احمد بن اسد بن سامان) مدرسه ای دایر کرد که دانشجویان برای تکمیل مطالعاتشان به آنجا می آمدند و در کتابخانه آنجا که اوقافی بر آن وقف شده بود به کاوش و تحقیق می پرداختند. (۲۰)

همچنین در این مناطق مدارس مستقل بسیاری وجود داشته که تاسیس آنها در اوایل قرن چهارم هجری صورت گرفته است به سخن دیگر، این مدارس همه بیش از یک قرن و نیم قبل از نظامیه بغداد دایر شده اند، حقوق این مدارس از بدو تاسیس هر مدرسه برای آنها مقرر شده است و بر آنها اوقاف نیکویی از کتب و عقارات و دیگر امکانات وقف شده بود، از امتیازات این مدارس و گنجینه ها، تعدد عمارت های آن و نیز خانه های مدرسان و طلاب و واردین بود. از این رو فراوان بودن اوقاف آن به مدرسان و خدماتی شایانی به تمدن اسلام و زبان عرب کرده است؛ بطوری ابو عبدالله معروف به ابن البیع ضبی - حاکم نیشابور - در کتاب خود «تاریخ نیشابور» و عبدالغفار فارسی در کتاب «سیاق» و صریفی در کتاب «منتخب السیاق» و تاج الدین سبکی در «طبقات» مطالب فراوانی پیرامون اوقافی که وقف بر مدارس قبل از نظامیه در خراسان و ماوراءالنهر برای ساختن آن و دادن حقوق به ارباب آن از قبیل مدرسان و علما و طلبه از متفه و اهل حدیث و واعظان و مذاکران و صوفیه دانمه و اذن گویان و مانند آنها شده بود نوشته اند. ابن حیان تیمی متوفای سال ۳۵۴ ق. برای طلاب مدرسه اش حقوق فراوانی مقرر کرد که صرف آن می کردند. ابوبکر بستی ثروت بسیاری داشت که از آن برای اهل علم مدرسه ای ساخت و برای ارباب آن قسمتی از مالش را وقف کرد که به اوقاف ابنی بکر بکرشتیان معروف بود. ابو مظفر اسفرائینی مدرسه بلخ را از اوقاف آن تعمیر می کرد. (۲۱)

در منابع تاریخی دوره سلجوقی نیز اشاره مکرری راجع به ایجاد اوقاف مدارس، مساجد، رباطها و مشاهد متبرکه از سوی حکام سلجوقی و امارت های بعد از آن شده است (۲۲). در این دوره به ویژه در ایام حکومت ملکشاه سلجوقی و به تصویب وزیر دانشمندیش خواجه نظام الملک بناهای زیادی وقف امور خیریه شده، نظام الملک خود نیز ساختمانهای زیادی در اصفهان، بغداد، طوس، نیشابور، بصره، خواف و هرات وقف کرد که مشهورترین آنها مساجد و مدارس معروف نظامیه است. (۲۳)

سپس با ضعف دولت خوارزمشاه لشکر مغول مانند سیل خروشان ایران را فرا گرفت، بالتبقیجه مساجد، معابد، کتابخانه ها، علما و دانشمندان بلکه اساس تمدن بوجود آمده به هم ریخت (۲۴) و در اوایل وضع موقوفات نیز آشفته گردید و اشراف برخی از آنها را تصرف کردند، تلاش خواجه نصیرالدین طوسی در دوره هلاکو برای سر و سامان دادن به وضع موقوفات، با وجود این که نظارت بر آنها را خود به عهده گرفته بود نیز نتیجه چشمگیری نداشت و مشکلات همچنان تا هنگام اسلام آوردن ایلخانان مغول ادامه داشت. (۲۵). بعد تاثیر محیط ایران و تربیت اسلامی و وجود رجال بزرگی مانند خواجه رشیدالدین فضل الله اوضاع در هم ریخته را نظم نسبی نو داد به حدی که نواده چنگیز دارای چنان عاطفه ای گردید که باب خیرات و حسنات را باز

در دوره خلفای عباسی رقبات موقوفه و درآمد آنها در تمام ممالک اسلامی رو به ازدیاد گذاشت و مردم خیراندیش امراء و وزراء و بزرگان و تجار موقوفات بسیاری برای امور عام المنفعه از خود به یادگار گذاردند. (۱۴) که موجب توجه و اهتمام به مسئله نظارت و اداره موقوفات و تولیت آنها شد و حکومت های وقت در صدد برآمدند تا تشکیلات و سازماندهی مطلوبی را برای این منظوری ریزی نمایند لذا در کنار دیوانهایی که برای حفظ حقوق حکومتی ایجاد کرده بودند دستگاهی نیز به منظور رسیدگی به امور موقوفات دایر گردید. در این راستا نخستین مرکز با وظیفه نظارت بر اموال موقوفه، تحت عنوان «دیوان بر» توسط علی بن عیسی وزیر «المقتدر» خلیفه عباسی تاسیس یافت. (۱۵) در همین عصر در شهرهای بزرگ ایران و عراق از قبیل: اصفهان، شیراز، ری، بغداد املاک بسیاری بر امور فرهنگی، بهداشتی و دینی به وسیله وزراء وقف گردید. از جمله در دوره آل بویه بیمارستان معروف عضدی در بغداد ساخته شد که بنای آن در سال ۳۶۸ ق. آغاز و در سال ۳۷۱ ق. به پایان رسید این بیمارستان دارای ۲۴ پزشک و تمام وسایل دارویی و پزشکی، جراحی، شکسته بندی، (۱۶) کحالی و فصادی در آن وجود داشته است. (۱۷) سپس به پیروی از این بیمارستان در سایر شهرها نیز بیمارستانهایی ساخته شد. (۱۸) در دوره سامانیان، در نیمه دوم قرن چهارم، تشکیلات اداری بنام «دیوان



کاروانسرا خرابه



خرابه های مصلی در هرات

بخورند و هیچکس آن مرغان را نگیرد و هر که قصد ایشان کند در لعنت و سخط حق تعالی باشد و متولی و ساکنان بقاع مانع و متعرض شوند. و در وقفنامه غازان نیز آمده است سبوی و کوزه که غلامان و کنیزان بشکنند، متولی امینی را در شهر تبریز نصب گرداند تا هر گاه آن جماعت آب کشند و سبوی ایشان بشکنند و از خداوندگان (اربابان) بترسند، تحقیق کرده ایشان را عوض دهد، (۳۲) خواجه نظام الملک نیز خود در احیای سنت موقوفه گامهایی زیاد برداشت و یکی از مهمترین موقوفات در این عصر تاسیسات آموزشی ربع رشیدی است که به وسیله رشیدالدین فضل الله همدانی ساخته شده. (۳۳)

بیشرفت و توسعه روزافزون موقوفات در دوره تیموری نیز قابل توجه و تعمق است در این دوره به موقوفات جدیدی در خراسان، عراق، فارس برمی خوریم که عمدتاً مربوط به دوران سلطنت شاهرخ و سلطان حسین بایقرا می باشد. (۳۴) در این برهه می توان از موقوفات شیخ زین العابدین «یکی از عرفای برجسته هرات» است که شامل قریه و دو قنات دایره و بایره درویش آباد واقع در شهر هرات است. (۳۵)

همچنین گوهرشاد، زوجه شاهرخ میرزا فرزند و جانشین امیر تیمور گورکانی، یکی از زنان نیکوکار و نامدار، آثار و ابنیه خیریه ای چون مسجد جامع، مدرسه و خانقاه در شهر هرات و مسجد جامع مشهد مقدس وقف کرد که در هر دو شهر به نام «مسجد گوهرشاد» موسوم و مشهور می باشد و بر آن بقاع خیر مستغلات خوب، و هبات مرغوب وقف کرده است (۳۶) و موقوفه

نمود (۲۶) و غازان خان نیز اقداماتی برای نظم بخشیدن به امور ثبت و ضبط موقوفات انجام داد او به این منظور در ۳ رجب ۷۰۰ ه. ق قانونی صادر (۳۷) و بیتکچیانی را به ولایات گسیل داشت تا فهرستی از تمام املاک تهیه، و پس از تعیین املاک شخصی و املاک موقوفه، آنها را در دفاتر قانونی ثبت کردند. (۲۸) غازان خان خود نیز به ایجاد موقوفات همت گماشت که رشیدالدین فضل الله در شرح آن چنین آورده است: «غازان خان گنبدی عالی، مسجد جامع، مدارس، دارالسیاده، رصدخانه، دارالشفاء، بیت الکتب، ملابس بیماران، بیت القانون، بیت المتولی، حوضخانه، گرمابه، راه و خانقاه های موقوفاتی در نظر گرفت و برای گرداندگان این موسسات موجب و حقوق تعیین کرد، (۲۹) شهر اوجان، خانقاه همدان، باروی شیراز و مساجد زیادی از جمله بقاعی هستند که غازان خان آباد کرد. (۳۰) سپس از املاک خاص خود که جای ظعن نباشد آنها را وقف کرد. در هر مقبره چند حافظ مقرر کرد که هر روز قرآن بخوانند و از اوقاف وظیفه ببرند. پنج نفر معلم و پنج معبد تعیین کرده در مکتب بنشینند، بیوسته صد نفر کودک یتیم را تعلیم قرآن بدهد... (۳۱) و در جای دیگر می گوید: در ضمن پنج زن برای خدمت کودکان اجیر کنند و به دایه بدهند و سایر مایحتاج طفل را تا زمان رشد تکفل نمایند. هر غریبی که در تبریز بمیرد و چیزی نداشته باشد، تجهیز و تکفین کنند... و در کتاب «تاریخ مبارک غازانی» و کتاب «حیب السیر» در رابطه با مرغان هوا آمده است. «...انواع مرغان که در شش ماه زمستان که سرما و برف باشد، گندم و گاورس مناصف بر بام ریزند تا

الغ بیک در سمرقند و بخارا مشتمل بر چند مدرسه، موقوفات عبدالله احرار در سمرقند و تاشکند شامل چند مدرسه و مسجد، و موقوفه عشرتخان در سمرقند که از طرف خانواده سلطان ابوسعید اهدا شد و موقوفه سلطان حسین بایقرا که محل مرفد جدید و غیره در آن زمان به همین شکوفایی در شهر هرات نیز در حال شکل گیری بود. (۳۷)

طبق آنچه در کتب تاریخی و سیاحتنامه‌ها و نوشته‌هایی که درباره صفویه وجود دارد، آمده است وقف در زمان این سلسله گسترش زیادی یافت و شاید در هیچ دوره‌ای، تاریخ ایران شاهد موقوفاتی به وسعت موقوفات این مقطع از تاریخ نبوده است، حتی خود شاهان صفویه در راس کسانی قرار داشتند که اقدام به وقف اموال خود می‌کردند (۳۸) و بخش بزرگی از املاک و مزارع تمام ایران، در این عصر، جزو موقوفات بوده است. لمبتون در این باره می‌نویسد: «اصولاً صفویه بسیاری از املاک خود را وقف مقاصد خیریه بخصوص وقف بقاع متبرکه شیعه و از همه بالاتر آستانه امام رضا (ع) در مشهد و خواهرش در قم کرده‌اند. بعضی از این املاک موقوفاتی بود که به خاندان صفویه، پیش از آن که به سلطنت برسند، تعلق داشت...» (۳۹) چنانکه بسیاری از موقوفات بزرگ و مهم در اصفهان، خراسان، اردبیل، تبریز، شیراز از قبیل: مدارس، مساجد بزرگ، حمامها، کاروانسراها، رباط‌ها، بازارهایی که ساختمانهای آن در دوره صفویه آغاز شده، هنوز هم تعدادی از آنها کم و بیش دایر، آباد و مورد استفاده است و قسمت مهمی از املاک وسیع موقوفه آستان قدس رضوی (ع) از این دوره به جامانده است. همچنین در این دوره شاهراه‌های عمومی برای آسایش مسافران و کاروانیان رباط‌ها و کاروانسراها مجهز به اصطبل و مطبخ ساخته شد. (۴۰)

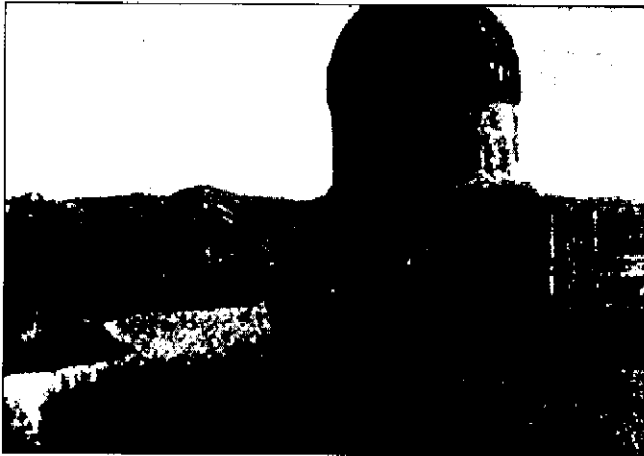
در این عصر، بزرگان و شاهان خود مشوق امور خیریه وقف بودند، این امر در میان آنان، از زمان شیخ صفی‌الدین اردبیلی بطور سنتی رعایت شده بود. شاه اسماعیل اموالی به صورت وقف به خانقاه اردبیل داد. شاه طهماسب جانشین وی نیز به امور خیریه توجه داشت «تذکره شاه طهماسب» که خاطرات طهماسب را در برمی‌گیرد و به وی منسوب است، در بخش‌های متعددی نگرانی شاه طهماسب را از درست انجام نشدن مسایل خیریه بازگو می‌کند. طهماسب یادآور می‌شود که در آغاز حکومتش بخصوص مقام صدر را به شخص مورد اعتمادی واگذار کند که درستکار باشد و سهم مستحقان را بموقع برساند. او در این کتاب می‌نویسد: «منصب صدارت را به میر جمال‌الدین استرآبادی و میر قوام‌الدین نقیب اصفهانی دادم که چون منصب عالی است تا بایکدیگر به راه روند، چرا که منصب بزرگ است و مبلغ‌های کلی می‌شود که می‌باید به مستحقان برسد (۴۱) از سلطنت شاه عباس به بعد، جهش خاصی برای توسعه موقوفات پیش آمد (۴۲) او ظاهرأ بعد از بازپس گرفتن آذربایجان از دولت عثمانی، مصمم شد که املاک و مستغلات و قسمتی از اموال خود را وقف پیغمبر اسلام و دوازده امام کند. (۴۳) او نخست در سال ۱۰۱۵.۶ ق. تمامی املاک و اموال شخصی خود را وقف چهارده معصوم کرد و تولیت آن را خود برعهده گرفت و بعد از خود به جانشینانش واگذار کرد. به روایت مورخ معاصر وی اسکندربیک منشی، این نیکوکاری جز از سوی پادشاهانی که بعد از بخشش اموال خود، قصد کناره‌گیری از سلطنت و در پیش گرفتن زندگی زاهدانه را داشتند، سابقه نداشت. (۴۴)

شاه عباس در سال ۱۰۱۴ هجری قمری، بازار قیصریه و تمام بازارهای اطراف میدان نقش جهان را با کاروانسرا و حمامی در نزدیکی میدان که همگی

در زمان او ساخته شده بود، وقف رسول اکرم کرد. یک سال بعد تمام املاک و مستغلات خاص خود را که به پول زمان بیش از یکصد هزار تومان ارزش داشت و عواید سالانه آنها پس از وضع مخارج، در حدود هفتصد هزار تومان بود، وقف چهارده معصوم کرد، و دستور داد که حاصل املاک را به حداقل محسوب و به چهارده قسمت تقسیم کنند، چنانکه هر قسمتی به ترتیب از قسمت بعد زیادتر باشد. بموجب و قفنامه‌ای که شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی (معروف به شیخ بهایی) نوشت، تولیت این موقوفات در زندگانی شاه عباس باشخص وی و پس از او با پادشاه زمان بود؛ سپس امر داد تا چهارده مهر به نام هر یک از چهارده معصوم بسازند، چنانکه نشان خاتم هر یک عیناً موافق با نشان خاتم او در زمان حیاتش باشد. در همان حال میرجلال‌الدین حسن صلاهی اصفهانی را به منصب صدارت و رسیدگی به کار موقوفات مذکور معین کرد و چون او در همان سال درگذشت، این مقام را به برادرزاده‌اش میرزا رضی داد. (۴۵)

نویسنده عالم آرای عباسی درباره وقف املاک سلطنتی می‌نویسد: در این سال رای صوابنمای اشرف‌اعلی... جمیع املاک و رقبات مکتسب خاصه خود را که در زمان دولت روزافزون در حیظه تملک و تصرف شرعی آن حضرت قرار گرفته بود و قیمت عادلانه آنها زیاد از یکصد هزار تومان شاهی عراقی و حاصل آن، پس از وضع مؤونات زراعت به تسعیر، قریب به هفت هزار تومان می‌شد، مع خانات عالی و قیصریه و چهار بازار در میدان نقش جهان اصفهان و حمامات که در آن بلده جنت نشان ترتیب یافته، چهار حصه کردند، بدین طریق که اولی از ثانی و ثانی از ثالث و ثالث از رابع زیاد بوده باشد و همچنین تا چهارده معصوم علیهم‌السلام... این تفصیل و ترجیح منظور داشتند، که حصه اول مخصوص حضرت رسالت پناه محمدی، صلی‌الله علیه و آله و حصه چهاردهم به ترتیب مخصوص حضرت صاحب‌الامر، صلوات‌الله علیه، باشد و آنچه به هر یک از حضرات اختصاص یافت، چند محل را که حاصل آن بعد از وضع مؤونات زراعت موازی آن مبلغ تواند بود، مخصوص آن حضرت ساختند، و تولیت وقف مذکور مادام‌الحیوه... به ذات اشرف خود و بعد از آن به پادشاهان گرامی نژاد، که در ایران مسندنشین تخت شاهی و جالس سریر پادشاهی بوده باشند، تفویض فرمودند، که به شروطی که در وقفیه معتبره مرقومه به قلم افادت رقم علامه‌العلمایی مجتهدالشان، شیخ بهاء‌الدین محمد مبین و مسطور است، عمل نمایند و صارف مصروفی اوقاف مذکور را به رای متولی منوط گردانیدند که بعد از وضع حق التولیه، به مصلحت وقت و اقتضای روزگار در مصارف... وجه معاش خدمه و مجاورین و زوار و ارباب فضل و کمال و صلحا و تقوا و طلبه علوم هر محل، و آن چه برای متولی اقتضا نماید، صرف کند و ثواب آن را به ارواح مقدسه حضرات چهارده معصوم هدیه فرمودند... (۴۶)

به گفته جلال‌الدین محمد یزدی منجم‌باشی شاه عباس، شاه صواب مصرف حاصل هر یک از موقوفات را به ترتیب به یکی از اجداد، یا برادران و بستگان خود مشروط بدانکه به شخص وی و اجدادش، خیانت و بدی نکرده باشند، اختصاص داده بود، و نیز می‌نویسد: که متولی هر قسمت از موقوفات براتی به مهر امامی که املاک، وقف او شده بود، به نام شاه عباس می‌نوشت، و شاه که متولی تمام موقوفات بود، اجازه پرداختن وجه برات را صادر می‌کرد (۴۷) مثلاً: وقف حضرت امام ثامن ضامن، امام رضا و ثوابش از نواب جنت مکانست از بابت حاصل موقوفات محال خراسان ۷۰۰ تومان بود. (۴۸)



مصلی و مناره گوهرشاد در هرات

موقوفه از دادن مالیات معاف بودند، شاه به عنوان حق التولیه سالی هزار تومان از مشهد دریافت می کرد، (۶۱) و زمانی که میرزا محمدحسن عضدالملک به سمت متولی باشی آستانه مقدسه منصوب شد. وی در تاریخ ربیع الاول ۱۲۷۵ ق. به نظم و نسق دادن موقوفات حضرت اهتمام فراوانی نمود و وقفنامه های آستانه را که متفرق و نامنظم شده بود جمع آوری کرد و جمع موقوفات خاصه و مطلقه را از املاک و عقار و حمام و مستغلات در این طومار مشخص و معین کرد و به مهر جمیع علما و اعیان و مستوفیان خراسان و خدام آستانه آن حضرت مهور کرد و به صحابت میرزا عبدالعلی فراشبانی سرکار فیض آثار آن طومار راه دوبار فرستادند. (۶۲)

اما قبل از انقلاب مشروطه موقوفات آستانه مقدسه رضوی بار دیگر دچار آشفتگی گردید، والیان خراسان و نایب التولیه ها در امور آستان قدس دخالت های ناروایی می کردند و به اصول و دارایی رقبات آستانه تجاوز می کردند و متنفذین و روسای آستانه از راه اجاره و تیولداری و طرز پرداخت تمول غیبی به هم زدند. (۶۳)

موقوفه ها و موقوفات حضرت رضا (ع) در سابق در خارج از کشور بسیار گسترده تر از امروز بوده، اکنون رقبات زیادی در افغانستان و یادر مناطق خوارزم و ماوراءالنهر که جزو منطقه خراسان به حساب می آمدند واقع شده که با تغییر مرزهای سیاسی در آن طرف مرزها مانده اند و در قفقاز و جمهوری آذربایجان و هند و پاکستان هم در سابق موقوفه هایی وجود داشته است. تعدادی موسسه دینی به نام امام رضا (ع) در هند و پاکستان هم اکنون نیز وجود دارند و مورد توجه شیعیان آنجا می باشند، مردم در روزهای خاصی در آن مکان گرد هم می آیند و در فضایل و مناقب آن حضرت سخن می گویند و به نام آن حضرت نذر و نیاز دارند. (۶۴)

بطوری که اسناد و مدارک آستان قدس رضوی و سازمان اسناد نشان می دهند، رقباتی از موقوفات حضرت رضا (ع) در افغانستان - بخصوص ولایت هرات - آسیای میانه و قفقاز وجود دارد از جمله موقوفات عباسقلی خان شاملو حاکم هرات و غوریان در دوره صفویه که شامل چندین پارچه ده و قنوات بوده که تا زمان جدایی هرات از خراسان در سال ۱۲۷۳ ق - زمان ناصرالدین شاه - تولیت و عواید آن به آستان قدس می رسید و از آن پس در سال ۱۲۷۴ ش. سلطان احمدخان حکمران هرات از جانب ناصرالدین شاه

همچنین شاه عباس کتابخانه خویش را که حاوی کتب فقه، تفسیر، حدیث و امثال به زبان عربی بود، وقف سرکار حضرت امام ثامن ابوالحسن علی بن موسی الرضا الصلوات والسلام کرد و کتابهای فارسی زبان را که شامل «تواریخ دوآبین و مصنفات اهل عجم» بوده به آستانه متبرکه صفیه صفویه بالانوار قدسیه هدیه کرد. (۴۹) و در سال ۱۰۱۶ ق. آب چشمه کلسب (گیلاس) را در خراسان از صاحبان آن خرید و دستور داد که آن آب را با آب رودخانه طوس به صورت نهری به آستانه رضوی آورند و از میان صحن آستانه گذراندند، و هر خانه ای را که کنار این نهر قرار داشت، از صاحبش به قیمت اعلی خریدند. (۵۰) علاوه بر شخص شاه، اغلب بزرگان دربار وی و اعیان و مالکان به وقف اموال خود پرداختند (۵۱) که از آن جمله: سردار معروف وی الله ویردی خان و نورالدین محمد را باید نامبرد که از آنها، رواق الله ویردی خان در آستان قدس رضوی و مسجد نوریه اصفهان شهرتی خاص دارند. (۵۲)

این سنت حسنه در دوره دیگر شاهان صفوی نیز ادامه داشت و علاوه بر شخص شاه، امرا موقوفات زیادی ایجاد کردند، ایقاف جنبه رقابت به خود گرفت، مولف کتاب «وقف در ایران» می نویسد «... بطوری که در نواحی اصفهان محلی برای خریدن و وقف کردن باقی نبود و هر کس مایل بود، محلی خریده وقف کند، بایستی در نواحی نزدیک به اصفهان مانند یزد و کاشان دست به کار می شد.» (۵۳)

در پی برافتادن صفویان، وضع موقوفات آشفته گردید، ولی هنوز دامنه وقف همچنان ادامه داشت و حتی مادر نادرشاه افشار در تاریخ اول محرم ۱۱۴۵ ق. قسمتی از مزرعه دهشک و شهر توس و چندین خانه و دکان در شهر مشهد وقف بر مصارف مختلف از جمله سقاخانه حضرت رضا (ع) کرد. (۵۴)

از سوی دیگر جنگهای پی در پی و توجه نادرشاه به امور نظامی موجب افزایش این امر گردید، از این رو نادر برای تأمین بخشی از این مخارج (۵۵) در سال ۱۱۴۸ ق. موقوفات را به نفع لشکر خویش ضبط کرد (۵۶) و به موجب فرمانی که نادرشاه در آخرین سال سلطنت خود صادر نمود، دستور به ضبط موقوفات داد. در نتیجه صدور این فرمان، بسیاری از املاک موقوفه را توقیف و به انضمام املاک خالصه در دفاتر ثبت اراضی، که پس از آن به «رقبات نادری» معروف شد، وارد نمود، البته نادر پیش از آنکه بتواند فرمان خود را در این زمینه بطور کامل به اجرا گذارد، کشته شد، پس از او عادلشاه فرمان مزبور را لغو و سپس بخشی از املاک غصب و توقیف شده را به صاحبان آن برگرداند (۵۷) و امور موقوفات را به متولیان و مالکین سابق سپرد و به این ترتیب حمایت آنها را جلب کرد. (۵۸) سپس طوماری از موقوفات آستان قدس رضوی (ع) تهیه کرد که تعدادی از رقبات موقوفه در افغانستان، موقوفه های غوریان، باشیان و ده شکر، در آن ذکر شده است. (۵۹)

در زمان قاجاریه نیز به این امر خیر توجه می شد (۶۰) مجدداً رواج وقف و افزایش موقوفات از سر گرفته شد و اروپائینی که در این عصر از ایران دیدن کرده اند از املاک فراوان موقوفه سخن گفته اند از جمله: هانری رنه دلمانی که در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین شاه از ایران دیدن کرده است، می نویسد: املاک بسیاری وقف مساجد و مدارس و بقاع متبرکه شده است و حتی کاروانسراها و یا تمامی یک بازار وقف شده است. «عایدات املاک وقفی زیاد است، مخصوصاً عایدات موقوفات حضرت رضا (ع) که مقبره او در شهر مشهد واقع است بسیار مهم می باشد» وی درآمد موقوفات امام رضا (ع) را در سراسر کشور ۶۰/۰۰۰ تومان نقد و ۱۰/۰۰۰ خروار غله ذکر می کند. با وجود این املاک

به تولیت موقوفات، و او سید ابوالحسن شاه حکیم‌ماشی رابعنوان متصالح تعیین کرد و بعد از آن به ترتیب موتمن الملک در سال ۱۲۹۶، رکن الدوله و بعد از او سپهسالار در سال ۱۲۹۸ ق. مجدداً رکن الدوله در سال ۱۳۰۰ ق. صاحب دیوان در سال ۱۳۱۰، محمد کاظم بن محمد صادق رضوی در سال ۱۳۱۲، صدیق الدوله در سال ۱۳۱۷، مهد قلی میرزا سهام الملک در سال ۱۳۲۲، محمد کاظم در سال ۱۳۲۴، میرزا شفیع خان صدر الممالک در سال ۱۳۲۷، مرتضی قلی خان طباطبایی در سال ۱۳۳۳، ظهیر الاسلام در سال ۱۳۳۴، یار دیگر مرتضی قلی خان طباطبایی در سال ۱۳۳۶ و مجدداً ظهیر الاسلام در سال ۱۳۳۹ و عاقبت محمدولی اسدی در سال ۱۳۴۹ قمری = اسفندماه ۱۳۱۱ ش ضمن تولیت آستان قدس رضوی (ع) تولیت موقوفات آستانه در افغانستان را نیز عهده‌دار بودند. ولی متصالحین از اتباع هر دو کشور تعیین می‌شدند که آخرین آنها حاج کاظم کوزه‌کنانی بود و موقوفات آستان قدس رضوی فقط در هرات شامل رقبات غوران، باشیان مظفریه، کلوشک، ارتخوان، ده شکر، قهوه‌خانه (که اراضی آن جزو ارگ شده بود)، علی‌آباد، ده نقره، روح، نوشاخر، ریاط سرخ و حمام ستار در دارالسلطنه هرات بود که برای آخرین بار به مال المصلحه پنج هزار تومان در سال و بمدت

شش سال به کوزه‌کنانی اجاره داده شده بود.

و یکی از موقوفه‌ها (خیرآباد عطارباشی (در زمان کامران شاه درآنی) در سال ۱۲۴۴ ق و وقف آستان قدس شد که در مجموع طبق طومار علیشاه و طومار عضدالملک و اجاره نامه‌های موجود این موقوفات شامل ۲۳ رقبه بوده است. که توسط نگارنده از مجموع اسناد گردآوری شده، کتابی تهیه و تدوین و توسط انتشارات سازمان اسناد ملی ایران به چاپ رسیده است.

موقوفات آسیای میانه و قفقاز

همانطور که گفته شد، قبل از تغییر مرزهای سیاسی، مردم مسلمان نواحی آسیای میانه و قفقاز نیز همانند سایر نقاط ایران رقباتی را وقف عام و خاص کردند، که می‌توان آنها را در سه دسته زیر تقسیم کرد:

۱. اطلاعات موجود درباره کل موقوفات (اعم از: موقوفات آستان قدس رضوی و موقوفات دیگر) که در نسخ خطی و چاپی آمده است، از آن جمله می‌توان از: موقوفات قبه شیروان نامبرد، در طومار عضدالملک در این باره می‌نویسد: «موقوفات قبه از بابت موقوفات امام‌قلی قبه

دکاکین واقع در بازار کلاه‌دوزان مشهور به شاه کوچه مطلقه

جهت: به اراضی خداویری جهت: بندگان متصرفی ارضاً

جهت: به درب کاروانسرای امل جهت: به شارع عام

همگی و تمامی دو باب حجره فوقانی و تحتانی و انبار تحت‌هما لورخان جدیدالبناء مشهور به امل واقع در سمت شرقی خان مزبور

جهت: به خانه آقا خداویری جهت: به حجره حاجی ملک محمد

جهت: به حجره ابراهیم یهودی جهت: به فضاء خان مزبور» (۶۵)

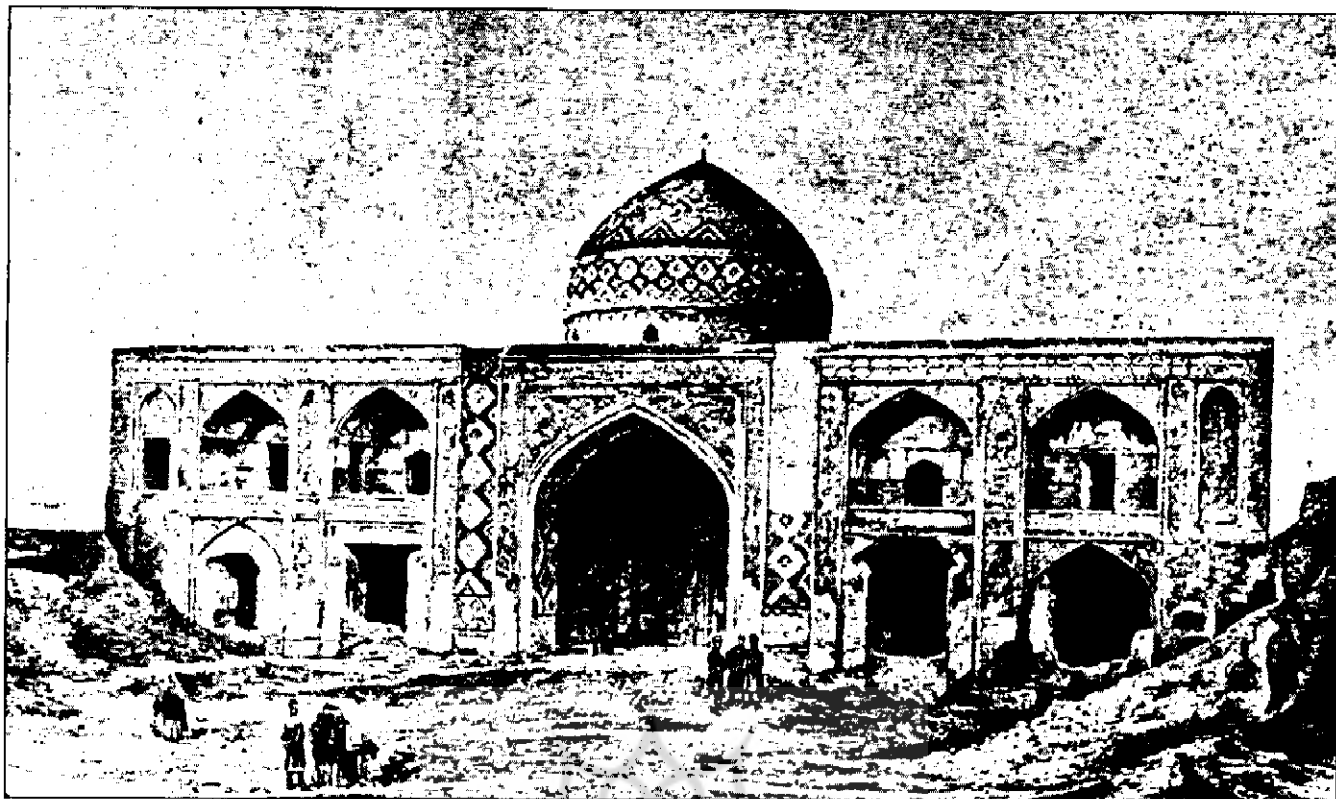
همچنین می‌توان از کتاب «یادگارهای فرهنگ خاور» (وقفنامه‌های سمرقند) نامبرد. این کتاب شامل هیجده وقفنامه، اجاره‌نامه‌ها و فروش نامه می‌باشد که به کوشش او. د. چخوویچ گردآوری و توسط فرهنگستان ازبکستان به زیور طبع آراسته شده، نشریه پیام نوین در معرفی این کتاب و محتوی آن می‌نویسد: «... کتابی شده است نزدیک به هفتصد صفحه خشتی بزرگ با کاغذ و چاپ خوب. شیرازه استوار و آراستگی شایسته. هیجده وقف‌نامه و فروش نامه است با نگاره یار و نوشت آن، چند فهرست سودمند از نام جاها، کسان، واژه‌ها.

برگردان و یادداشت‌ها و پیشگفتار به زبان فارسی، انگلیسی و روسی. وقف‌نامه‌ها از سمرقند سده هشتم و نهم هجری یا پانزدهم و شانزدهم میلادی است. بیشتر از توانگری بنام خواجه احرار که رهبری دینی نیز داشته، وقف‌نامه و فروش نامه‌ها به زبان فارسی تاجیکی است، و اندکی هم از یکی. چند تائی با خط بسیار خوش و پخته نستعلیق و نسخ. هر وقف‌نامه تک، تک آمده و کاویده شده است. این نوشته‌ها آئینه‌ایست گویا از نمای زندگی چندسده پیش سمرقند. ازین راه بخوبی می‌توان با پایه فرهنگ و ادب و زندگی، مردمشناسی و زبان، شهرشناسی، داد و ستد و بازرگانی، و بویژه کار و پیشه آن روزگار آشنا شد. نوشته‌ها، گنجینه‌ایست تازه و پرمایه برای کند و کاو تاریخ و فرهنگ آسیای میانه.

نگارش وقف‌نامه‌ها آکنده از سادگی و درستی است. از چند بخش درست شده، پیشگفتاری دارد، نام واقف و فروشنده، مرزبندی وقف، گواهان... با خواندن این وقف‌نامه‌ها، کوچه‌ها و دکانها و کارگاهها، باغها، سراها و ساختمانهای سمرقند کهن پیش چشم نقش می‌گیرد. از وقف‌نامه‌ها پیداست



مسجد نخجوان



مسجد ابروان

که نوشته چند تن است هر کدام باروش های گوناگون. این وقف نامه ها بیشتر همانند وقف نامه هایی است که در ایران است با کمی دگرگونی که به ویژگیهای مرز و بوم بستگی دارد. وقف نامه ها گاهی مانند وقف نامه های ایران، همین که به نام ناموران می رسد بسیار کش می یابد، ستایش آمیز می شود و پر آب و تاب... (۶۶)

۲. موقوفات و رقبات وقفی خیرین اهالی نواحی آسیای میانه و قفقازی الاصل در ایران، که در این قسمت نیز فقط به معرفی دو وقفنامه که در طومار عضدالملک. موقوفات آستان قدس رضوی آمده، بسنده می کنیم :

موقوفه حاجی کلبعلی تاجر بادکوبه

موقوفه: تیمچه پای بست خیابان علیا که وقفنامه در سنگ کنده در فوق درب تیمچه مزبوره نصب کرده اند.
مصارف:

یک عشر کامل از کل منافع مزبور نایبان متولی به ازاء حق العمل خود بردارند، و بقیه را متصرف نموده بشرح ذیل :
صرف:

ماکول و مشروب و ملبوس و کاغذ و قلم الا هم فالاهم چهل نفر سادات یتیم که در صحن مقدس از بابت وقف مرحوم محرابخان تحصیل علوم دیدینه مشغول اند. مادامی که متصرف بصنفت وقف مزبور باشند که همه ساله نایبان متولی باید برسانند.
صرف نصف

بعد از وضع سالی چهار تومان از جهت آقاسید صالح نایب الزیاره و والدین او که همه روزه در روضه مبارکه یک زیارت بانماز به نیابت ایشان بعمل آورد، بقیه را ثلاثاً تقسیم نماید.

از جهت زنهای بی باعث و فقرای بی شوهر
دوثلث

پاپوش سفری از جهت پیاده زوار
ثلث

مخفی نماند که سیده برغیر سیده مقدم است و نفری پنجهزار
دادن ضرر ندارد.

تولیت :

با جناب متولیاشی سرکار فیض آثار خواهد بود تا ابدالدهر و دکان مزبور را از قید تملیک خارج به تصرف وقف واگذار نمود. الخ

شروط :

متولی شرعی در هر عصری از اعصار موقوفه را به اجاره داده و تا امکان زیاد، زیاد از سه سال به یک نفر اجاره ندهند بعد از وضع تعمیرات به مصارف مقرر برسانند.

تولیت و نیابت تولیت :

مادام الحیات با خود واقف بوده و بعد از وفات با اولاد ذکور هر یک اصلح و اتقی باشند و در صورت انتقراض اولاد، مجتهد جامع الشرائط ارض اقدس است.

نیابت :

با جناب ملا محمد کاظم همدانی و جناب ملا محمد علی استرآبادی و اولادشان ماتوالد و اوتناسلو او بعد از انتقراض اولاد هر دو نیابت با فقیه جامع الشرائط ارض اقدس خواهد بود. (۶۷)

موقوفه محمدحسین بن حاجی عبدالله تاجر قره باغی

واقف : مرحوم مغفور حاجی محمدحسین بن غفران مآب حاجی عبدالله تاجر قره باغی رحمه الله علیها بتاریخ جمادی الاخری سنه ۱۳۱۰

موقوفه :

کل یک باب کاروانسرای حسینی، تیمچه و دو باب دکان متصل بسرای مزبور داخل بست، واقعه در بازار بزرگ، متصل به کوچه و بازار مزبور، و طرفی به کوچه زنجیر.

مصارف :

بعد از وضع تعمیرات لازمه موقوفه بقیه را به مصرف مزینه برسانند. ثلاثاً تقسیم نمایند.

صـ صـ صرف

تعمیر داری جناب ابا عبدالله الحسین علیه اسلام
ثلث

عشر اول محرم الحرام	چای و فلیان و قهوه و شربت	صرف عشر ثانی محرم الحرام	حافظ	تربت	نایب
عشر دوم محرم الحرام	از جهت طعام چهل	بقرار حافظ حرم	افروزنده دولاله	الزیاره هر شب	جمعه تاجهیل زیارت
عشر سوم محرم الحرام	که همه روزه در حسینی	محترم شب و صبح	سرمقبره با کسر	جامعه و دو	بخواند، سالیانه
عشر چهارم محرم الحرام	صرف شود و ذکر	هر یک سه جزو قران	لاله سالیانه	[یک] نفر مقررأ	۱۰ تومان
عشر پنجم محرم الحرام	مصیت نمایند.	و ماهی یک زیارت	یکتفر مقررأ		
عشر ششم محرم الحرام		جامعه بخوانند. سالیانه ۱۰ تومان			
عشر هفتم محرم الحرام		دو نفر از قرار ۲۴ تومان			
عشر هشتم محرم الحرام		۴۸ تومان			

صـ صرف

آستانه مقدسه سرکار فیض آثار

صرف

مولود و شهادت این بزرگوار	قیمت	تعمیر
جهت شربت و قهوه و چراغ	پوستین و کلیجه جهت	کلام الله و کتب
و غیره	زوار برهنه سالیانه	زیارات سالیانه
و مازاد این سه ثلث را رد مظالم به فقرا و خمس سادات بدهند.	۸۰ تومان	۲۰ تومان

تولیت :

با مرحوم خلد آشیان خلد مکان حاجی شیخ محمد تقی اعلی الله مقامه و رفع الله درجه بوده است و اکنون به اصلح و اکبر وارد شد.

نظارت :

با جناب میرزا محمد تبریزی ممقانی می باشد. مخفی نمانده مصارف جمع و خرج هر ساله

راجناب متولیباشی مقرر دارند که در دفترخانه مبارکه ثبت شود. هر کس از این قرار تخلف نماید در خدمت حضرت پیغمبر روشن و داخل قتلہ چاپ سنہ الشہر محسوب باشد. (۶۸)

آن مرحوم جناب مستطاب شریعتمدار آقای حاجی شیخ مرتضی سلمه الله تعالی است و بعد از ایشان به ازهد و اتقی علمای ارض اقدس است که مرجع خاص و عام باشد.

۳. اسناد نویافته موقوفات: شامل اسنادی درباره مسجد وقفی در گرجستان مربوط به زمان شاه عباس صفوی، کاروانسرای ایرانیان در تفلیس، مساجد ایرانیان در باکو و قنات وقفی سلو کلی. در نواحی عشق آباد. می باشد. کلیه اسناد ذکر شده در گنجینه سازمان اسناد ملی، با شماره تنظیم و محل در آرشیو، طبقه بندی و نگهداری می شوند که پس از بازخوانی بترتیب ارائه می گردد:



مدرسه ابونصر پارسا در بلخ

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره کل اوقاف، نمره ۴۰۸۶/۴۷۲
بتاریخ ۱۳۰۸/۲/۱۷ ش.

مقام رفیع هیات وزراء عظام دامت شوکتهم

موافق راپرت ژنرال قونسولگری دولت علیه در گرجستان که به وسیله وزارت جلیله دربار پهلوی به وزارت معارف و اوقاف رسیده است، از شاه عباس کبیر در گرجستان مسجدی باقی مانده و موقوفات آن که عبارت از چندین باب دکان و بعضی مستغلات دیگر بوده، بلدی به شهر ضبط نموده است، و درب مسجد مزبور مثل سایر معابد پس از تشکیل حکومت ساوت در تغلیس بر روی عموم بسته بوده، و اخیراً با اقدامات ژنرال قونسولگری درب آن مفتوح گردیده، و مبلغی از طریق اعانه جمع آوری نموده که با نظارت و اطلاع انجمن خیریه ایرانیان صرف تعمیر و مخارج ضروری مسجد نمایند. نظر به این که استرداد موقوفات مسجد مزبور فعلاً مشکل و از طرف دیگر مسجد به کلی مخروبه و محتاج به تعمیرات فوری می باشد، تقاضا نموده است که مبلغ هزار تومان برای تعمیر مسجد مزبور از طرف دولت کمک و اعتبار داده شود که مسجد بنام نامی اعلیحضرت شاهنشاهی ارواحنا فداه باقی و برقرار ماند. لذا متمنی است از محل اعتبار دولت تصویب فرمایند هزار تومان جهت تعمیرات مسجد مزبور که از بناهای تاریخی ایران در خاک دولت همجوار می باشد، تخصیص داده شود که وجه مزبور صرف مرمت مسجد مذکور بشود.

[امضا] : یحیی فراگوزلو

[نمره] ۳۰۴۱ - ۱۸/۸/۲۵ [۱۳ ش.]

مسکو، وزارت امور خارجه، اداره دوم سیاسی

پیرو گزارش ۱۳۱۸۷/۱۲ شماره ۲۳۰۵ درباره کاروانسرای ایرانیان در تغلیس آگاه می دارد از روی اطلاعی که به سفارت کبری رسیده جمعیت خیریه ایرانیان تغلیس در سال ۱۲۹۷ کاروانسرای واقع در خیابان میاسنیکف شماره ۳۷ را خریداری نموده و قباله را به اسم خود تنظیم نموده، و سپس به تصدیق ثبت اسناد گرجستان رسانیده اند تا سال ۱۳۱۰ کاروانسرای نامبرده در اختیار جمعیت خیریه بوده، و درآمد آن نیز به صندوق جمعیت خیریه پرداخت می شده است. سال ۱۳۱۰ جمعیت خیریه منحل شد، سپس سرکنسولگری سابق تغلیس از آن کاروانسرای سرپرستی می نموده، و به اجاره مشهدی باقر از اتباع دولت شاهنشاهی داده بوده که مال الاجاره اش را ماه به ماه به صندوق سرکنسولگری می پرداخته است. قباله کاروانسرای پس از انحلال جمعیت خیریه به سرکنسولگری تسلیم، و در آرشیبو بایگان شده است. چنانکه ملاحظه می فرمایند کاروانسرای تغلیس به جمعیت خیریه ایرانیان آن جا متعلق می باشد از این رو جاهای وابسته به شوروی حاضر نخواهند شد مالکیت دولت شاهنشاهی را درباره این کاروانسرا بشناسند، و چون هنوز معلوم نیست که کارکنان شوروی کاروانسرا را ضبط نموده باشند، اقدام رسمی بيمورد به نظر می رسد، ولی برای حفاظت آن سفارت کبری و کالتنامه بنام مشهدی قلی اف فرستاده که از این کاروانسرای سرپرستی کرده و ماه به ماه گزارش وضعیت آن را به سفارت کبری بدهد.

سفیر کبیر - محمد ساعد
۱۴۵۸.۱۰.۲۰۰۷

نمره ۳۶۱۰ - ۱۳۱۷/۹/۸ ش.

مسکو. درباره کاروانسرای ایرانیان در تغلیس

وزارت امور خارجه، مشهدی علی قلی یوف نام که در تغلیس نشمین دارد نامه به سرکنسولگری بادکوبه فرستاده و می نویسد که: کاروانسرای ایرانیان در شهر نامبرده از ندانستن نگهبان روبه ویرانی گذاشته و هرگاه سرکشی نشود از دست خواهد رفت. سفارت کبرا گمان می کند که بهترین راه برای رسیدگی به این کار و همچنین جویا شدن از حال ایرانیان و انجام کار آنان در جاهای دور دست اینست که وزارت امور خارجه یک نفر کارمند به سفارت کبرا یا به سرکنسولگری بادکوبه به نام وابسته روانه فرمایند که به همه کارهای ملکی ایرانیان رسیدگی نموده، و اگر بتواند آنها را بفروشد برساند، و چنانکه آگاه می باشند سفارت کبرا به هیچ روی نمی تواند به سرکشی خانه های اتباع و یا فروش آن بپردازد.

خواهشمند است از هر تصمیمی که در این باره خواهند گرفت سفارت کبری را بزودی آگاه فرمایند.

۱۴۵۸.۱۰.۲۰۰۷

وزارت مالیه، شماره ۳۹۹۶۹ ر ک، بتاریخ ۱۳۱۷/۶/۳۱ ش، فوری.

وزارت معارف و اوقاف

چون بموجب اطلاعات واصله در اثر مهاجرت اتباع ایران از خاک شوروی و بدون سرپرست ماندن مساجد ایرانی مقداری از اثاثیه مساجد را از قبیل: فرش و ظروف مسی و اثاثیه تعزیه داری به محل قونسلگری بادکوبه حمل نموده و در انبار آن جا گذارده اند، و اخیراً از طرف وزارت مالیه در نظر گرفته شده است، مامور مخصوصی برای جمع آوری اثاثیه قونسلگری های منحل و دولت و مهاجرین به بادکوبه اعزام، و در جمع آوری آنها اقدام نماید، لذا مراتب برای اطلاع آن وزارتخانه اشعار گردید، تا در صورتی که موافقت فرمایند دستور داده شود آن قسمت از اثاثیه مساجد را که جزو موقوفه است و قابل حمل و نقل به ایران نیست، در محل به فروش رسانیده و بهای آنها را با صورت فروش اشیاء علیحده به مرکز ارسال و قسمتی که قابل حمل و نقل می باشند، با اثاثیه اضافی قونسلگری به طهران انتقال دهند. در خاتمه نظر به این که نگاهداری اثاثیه مذکور در محل مقتضی نخواهند بود، متمنی است قدغن فرمایند نظر آن وزارتخانه را زودتر اطلاع دهند که به مامور اعزامی ابلاغ گردد.

وزیر مالیه

[امضا] اللهیار صالح

[حاشیه]: فوری است. اوقاف شهرستانها، به نظر این جانب تریبی که وزارت خارجه در نظر گرفته عملی است و اشکالی ندارد، و معذلتک اگر غیر ازین نظری دارید، اظهار دارند، والا اظهار موافقت بعمل آید و در هر حال در صدور جواب تسریع شود. ۱۷۱۶۳۶
اداره کل اوقاف. اظهار نظر فرمایند. ۱۷۱۶۳۶

۱۳۳۴۳۰.۲۵۰

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره حسابداری، شماره ۱۷۵۹۶ تاریخ ۱۷/۶/۲۷ [ش ۱۳].

اداره بودجه (وزارت مالیه)

عطف به نامه شماره ۶۹۷۸ راجع به اظهار نظر نسبت به فروش اشیاء و لوازمی که ایرانیان برای مساجد کراف آباد و بادکوبه وقف کرده اند، اشعار می دارد که مراتب به عرض مقام وزارت معارف رسید، موافقت فرمودند که اشیاء مورد بحث با اطلاع ژنرال قونسلگری آن جا به فروش رسیده، و وجه آن بانظر اداره کل اوقاف به مصرف بنگاههای خیریه برسد.

از طرف رئیس اداره حسابداری

رونوشت برای اطلاع اداره کل اوقاف ارسال می شود.

از طرف رئیس اداره حسابداری

۱۳۳۴۳۰.۲۵۰

اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از بجنورد به : تهران، نمره ۲ دولتی ۲۶

حمل ۱۳۳۱ ق. ۱۲۹۲ ش

وزارت خارجه تلگراف مبارک نمره ۶۷۴۰ زیادت حقیقت امر همان است که در ضمن تلگراف جوابیه نمره ۲۰۴ معروض داشته، بعلاوه مقرری منشی کارگزاری این جا را سه ماه است از بودجه موقتاً خارج کرده اند. هیچکس را ندارد که به جای خود بگذارد، اینکه مجدداً مرقوم فرموده اند فوراً به محل زراعت قرب چشمه سلو کلی رفته... فدوی قریه سلو کلی و اطراف آن را با چشمه های خود دیده، ابدأ چشمه ندارد که منبع آن در خاک ایران باشد، ولی چون این دفعه هم محل نامعلوم را نزدیک قریه سلو کلی ذکر شده فرموده اند لزوماً معروض می دارد شاید طایفه مذکور موقوفات ایرانی ساکنین، عشق آباد باشد که از چندین سال به این طرف استدعای حکام برای آبادی و سکونت خودمان از دولت می کردند، تا عاقبت الامر در برج ثور ۱۳۳۹ میرزا احمدخان مهندس حسب حکم دولت از مشهد مقدس مامور شده با احکامات لازمه و ملاحظات دقیقه نهادند را موسوم به منصور تعیین کرده اند. که ابدأ به آبهای مندرجه در پرتو کل خاک مسلم ایران است، آنچه زراعت هم شده دیم است که به تازه گی قریب دویست هزار منات مخارج و قنات بیرون و آبادی کرده اند. اگر مقصود از سابقه جدید موقوفات مزبور باشند، چنانکه به کلی معروض داشته، سابقه کار آنها در دفاتر وزارت خارجه، داخله، کارگزاری خراسان و احکام مفصل هم در دست آنها موجود است. افراد موقوفات مزبور تماماً در عشق آباد اقامت و تجارت و یا کاسبی مهم داشته اند، محض حب

وطن ترک مشاغل پرمشغول خودشان را نموده، نظر به امیدواری و اعتبار احکامات دولت علیه ایران به آن محل آمده، سکونت کرده، هیچ کس هم ضررشان نمی رسد. حالیه گمان می رود اگر سلوکی تمام آنها را قبول عام بکنی بهتر از این می داند سکونت آنجا را ترک نمایند، زیرا که دارای آنها منحصر به همان است که در آنجا منسوخ نموده، و می نمایند، چون این مطلب مهم و فوری بود کتاب و مفتاح رمز هم با مستدعیات چند ساله هنوز به کارگزاری بجنورد نرسیده، لهذا با مفتاح حکومت رمز شد، مقرر فرمایند وزارت داخله استخراج و بعرض برسانند. نمره ۲۱۲

رضاء الحسینی
تلگرافخانه مبارکه
۳۷۱۰۲.۲۹۳

بعد از انتزاع بخشهایی از این مناطق، از ایران نیز در سده گذشته، همچون گذشته های دورتر، میان ایران و همسایگانش در شمال و شمال شرقی (ماوراءالنهر) و قفقاز روابط بازرگانی، اقتصادی و فرهنگی وجود داشته است، و در پی تماس های اقتصادی و کشمکش های نظامی، شمار فراوانی از ایرانیان بایبوند های قومی و قبیله ای گوناگون (از قبیل کردها، فارس ها، آذربایجانی ها و بلوچ ها) یا به خواست خود و یا برخلاف خواست خود به ماوراءالنهر و خوارزم راه یافتند که حتی در پی آن ایرانیان مقیم آن نواحی همچون داخل کشور، بعد از انقلاب مشروطیت به تشکیل انجمن های خیریه و جمع آوری اعانه های نقدی مبادرت به تاسیس مدارس نیز پرداخته اند که مهمترین این مدارس عبارت بودند از: مدرسه مظفریه عشق آباد، مرو، گرانسودسک، قزل آروت، تاشکند، اتحاد بادکوبه و اتفاق تفلیس که کلیه مخارج آنها در آن فقر و تنگدستی از کیسه فتوت افراد نیکوکار و انجمن های خیریه تامی می شد.

با این حال بعد از سال ۱۳۰۵ ش. دولت شوروی درصدمقابله با علما و روحانیون برآمد، حتی واعظین که از ایران برای برگزاری ایام محرم به بادکوبه رفته بودند تمامی آنها را با کشتی روانه کشور کردند، سپس التزام گرفتند که عزاداری از مساجد تجاوز نکند ولی به آن بسنده نکرده، به دنبال آن مساجد ایرانیان در آن کشور تعطیل و بعدد با بهانه جویی عاقبت الامر شروع به اخراج ایرانیان از کشور روسیه نمودند. با این وصف مسائل وقف، موقوفات و امور خیریه و موسسات عام المنفعه به طبع از آن پس به فراموشی سپرده شد. در این قسمت از مقاله نیز جهت آگاهی هر چه بیشتر از وضعیت ایرانیان مقیم در نواحی آسیای میانه و قفقاز چند سند ارائه می گردد، امید است که مقبول و مفید فایده باشد.

وزارت امور خارجه، اداره دویم سیاسی، سواد تلگراف ژنرال کنسولگری بادکوبه مورخه ۱۸ / تیر ۱۳۰۵ ش.

واعظین که از ایران برای محرم به بادکوبه آمده اند حکومت تماماً جمع و با کشتی روانه و از مساجد هم التزام گرفت که عزاداری از مسجد تجاوز نکند، و غیر از ذکر مصیبت هیچ اقدامی جایز نیست، و مرتکب سخت مجازات می شود.

اسفندیاری
تنظیم ۱۰۲۰۰۷، پاکت ۱۶۴۵.۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقام محترم ریاست وزرای عظام دامت عظمه

برای استحضار خاطر مهر مظاهر مبارک عریض ذیل رابه عرض رساند، جناب آقای شیخ نورالله نام اردبیلی ایران قریب سی سال است در تازه شهر مسکن دارم. تمام اجراء عقد و معاملات شرعیه مسلمانان را عهده دار است و افعاً آثار اسلامیت در تازه شهر بنا کرده، مامورین شورای دولت روس مکرراً مشارالیه مالیات مسجد را مطالبه داشته، مشارالیه جواب داد: مسجد اساساً مطالبه مالیات ندارد. مامورین بی بهانه جویی بودند، تا در سه ماه قبل خود چاکر در تازه [شهر] بوده ام که مامورین دولت روس مشارالیه را دستگیر نموده، مسلمانان در این باب اجتماعی نموده برای استخلاص مشارالیه، چاکر با شرف که وطن مالوف خود مراجعت نموده، چون کاملاً با شیخ نورالله و پسرش یوسف نام طرف دوستی و معامله بوده ام تلگرافی آن اوقات که حضرت اشرف به طرف مازندران تشریف فرماید ملاحظات به چاکر نمود که توقیف ابوی ملا نورالله امتداد پیدا کرده، او را از تازه شهر به طرف تاشکند برده اند، چنانچه چاکر نیز اشرف (۶۹) در باغ مظهر الدوله حکومت اشرف تفصیل رابه عرض آستان مقدس رسانیدم و عهده کریمانه استخلاص شیخ نورالله و بذل مراحم نسبت به همه مسلمانان سکنه تازه شهر اقدام آن فرمودند، اینک برای تذکره خاطر مبارک عرض می دارم چنانچه اقدامی در این باب نشود، تمام مسلمانان تازه

شهر و روسیه عملیاتی که در دوره بطر کبیر را معلوم است. معمول بوده به کلی متروک شود، بعدها زندگانی آنها نهایت سخت خواهد بود. بقیه بسته است به توجه حضرت اشرف دامت عظمه العالی ایام اجلال و رفعت برقرار باد.

چاکر حسین یوسف زاده ساکن اشرف
۱۲۸۴.۱۰۲۰۰۷

ریاست وزرا، نمره ۶۹۱۵، تاریخ ۳ مهرماه ۱۳۰۵ ش.

وزارت جلیله امور خارجه

حسین یوسف زاده ساکن اشرف (بهشهر) که از روسیه به اشرف مراجعت کرده، مشاهدات خود را در تازه شهر راجع به طرز معامله حکومت شوروی نسبت به مسجد و موسسات اسلامی و تبعید و توقیف شیخ نورالله اردبیلی امام جماعت مسلمین تازه شهر راپرت داده است که جالب توجه است. سواد راپرت مشارالیه تلوا ارسال و استعمال می شود که در این باب آیا اطلاعاتی به وزارت امور خارجه رسیده و اقدامی برای استخلاص شیخ نورالله و رفع تعرض مامورین شوروی به مسجد مسلمین بعمل آمده است یا خیر؟ و اگر تا به حال مطلع از این قضیه نشده و تعقیبی ننموده اند، مقتضی است قدغن فرمایید مطلب را دنبال کرده موجبات رهایی و استخلاص شیخ نورالله اردبیلی را فراهم، و مضرات اخلاقی و سوء تاثیر تعرض به مساجد و آداب و رسوم دینتی مسلمین ساکن ممالک شوروی را خاطر نشان اولیای آن دولت فراهم، و رفع آن را تقاضا نمایید، و اگر نظر دیگری دارند اشعار فرمایند.

[امضا]: عنایت الله سمعی
۱۲۸۴.۱۰۲۰۰۷

وزارت امور خارجه، اداره دوم سیاسی، بتاريخ ۱۳۰۵/۷/۲۷ ش.

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکتہ

در جواب مرقومه مبارکه نمره ۶۹۱۵ مورخه ۳ مهرماه جاری راجع به شیخ نورالله اردبیلی معروض می دارد به جنرال قونسولگری ایران در تاشکند دستور داده شود در استخلاص مشارالیه اقدام نمایند. در آن جانیز در ضمن یادداشتی با تذکره به سوء اثراتی که این اقدام مامورین شوروی در اذهان مسلمین از حیث تعرض به مسجد و آداب و رسوم دینتی آنان تولید خواهد کرد از سفارت کبرای شوروی تقاضا گردید اقدام سریع در استخلاص شیخ نورالله بعمل آورند. پس از وصول جواب از نتیجه خاطر مبارک را مستحضر خواهد ساخت.

[امضا]: علیقلی انصاری

[مهر]: وزارت خارجه

۱۲۸۴.۱۰۲۰۰۷

وزارت امور خارجه، اداره کل امور سیاسی، اداره جماهیر شوروی

نمره ۴۷۳۰-۳۱۳۷۶، ۱۰۱۴۷ م، تاریخ ۱۳۰۵/۹/۱۸ ش.]

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکتہ

موافق راپرتی که از ژنرال قونسولگری ایران در عشق آباد به وزارت امور خارجه واصل گردیده، در قریه باقر که در دوفرسخی عشق آباد واقع است، عده از ایرانیانی که از نقاط مختلفه ایران مهاجرت نموده ساکن می باشند که عموماً زارع و سبزیکار هستند و در حقیقت می توان گفت که این قریه را این دسته از ایرانیان آباد نموده اند.

اخیراً به مناسبت نقشه حکومت شوروی و تصمیم در زراعت اشتراکی از اشخاصی که داخل در زراعت اشتراکی نشده اند مالیاتهای گزافی مطالبه می شود. به این مناسبت هشتاد خانوار از زارعین مزبور عرضه به ژنرال قونسولگری داده و استدعا نموده اند که از طرف دولت به آنها اجازه داده شود که به نقاط درج (۷۰) و محمدآباد و چناران مهاجرت نمایند، و بواسطه آشنایی که بانقاط مزبور از حیث آب و هوا و غیره دارند، مایلند که در قریه شمس خان واقعه در محال محمدآباد به آنها اراضی زراعتی داده شود. اینک سواد عرضحال آنها را برای مزید استحضار خاطر مبارک تلوا تقدیم می دارد تا از هر جوابی که بایستی در مقابل تقاضای ایرانیان فوق الذکر داده شود، مقرر فرمایند؛ و وزارت امور خارجه را مستحضر دارند که بوسیله ژنرال قونسولگری ایران ابلاغ شود.

[امضا]: محمدعلی فروغی

[مهر]: وزارت امور خارجه

احسانیه؛ وزارت مالیه تشخیص خواهد داد که نقاط مذکوره خالصه هستند یا خیر؟ و در صورتی که خالصه نیستند قبول تقاضای مهاجرین چه مانعی دارد؟ ۹/۱۷۲۰
از وزارت امور خارجه تحقیق شود که این اشخاص وسیله زندگی و زراعت دارند یا به دست خالی می خواهند به نقاط مذکور بیایند؟

۱۳۳۷.۱۰.۲۰۰۷

ریاست وزرا، نمره ۷۹۱۶، تاریخ ۱۳۰۹/۱۱/۲۲ ش.

وزارت جلیله امور خارجه

راجع به راپرت ژنرال قونسولگری عشق آباد و هشتاد خانوار ایرانی که به واسطه مشکلات محلی قصد دارند از قریه باقر نزدیکی عشق آباد به خاک ایران مهاجرت نمایند. از آنچه طی نمره ۳۱۳۷۶ مورخه ۱۸ بهمن ۱۳۰۹ اشعار فرموده بودند، استحضار حاصل آمد، اگر چه به وزارت جلیله مالیه نوشته شد که راجع به اراضی شمس خان و محمداً آباد خراسان تحقیقات نموده، تشخیص بدهند جزو خالصه دولتی است یا نه؟ و هر نظریاتی دارند در این موضوع اظهار نمایند؛ ولی لازم است آن وزارت جلیله تحقیقی فرماید که ایرانیان مزبوره وسیله زندگی و زراعت دارند یا دست خالی می خواهند به ایران مهاجرت نموده و در آن نقاط سکونت نمایند.

نصرالله نخعی

محمود پرنده

۱۳۳۷.۱۰.۲۰۰۷

پی نوشت ها :

۱. کریمیان، علی. اسناد موقوفات آستان قدس رضوی در هرات (تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸ش) ص ۹۸ هفت.
۲. خسروانی شریعتی، سید محمود، «مروری بر وقفنامه های قرآن بر اساس نسخه های کتابخانه آستان قدس رضوی»، فصلنامه مشکوه، شماره ۵۲ (پاییز ۱۳۷۵ش) ص ۸۹.
۳. جناتی، محمدابراهیم. «وقف از دیدگاه مبانی اسلامی»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال دوم، شماره ۵ (بهار ۱۳۷۳ش) ص ۴۹.
۴. بهروان، حسین. «وقف در جامعه اسلامی»، فصلنامه مشکوه، شماره ۲۵ (زمستان ۱۳۶۸ش) ص ۸۷.
۵. پاینده، ابوالقاسم. ترجمه نهج الفصاحه (تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۶۰ش) چاپ بیست و سوم، کلام ۸۰۶، ص ۱۸۳.
۶. ابن مبیله: آن کسی است که در راه مانده باشد، او را مخارج رفتن به وطن مالوف نباشد و «هو المنقطع به فی غیر بلده» یعنی شخصی یکی از مستحقین زکات باشد.
۷. سجادی، سیدجعفر. فرهنگ علوم (شامل لغات و اصطلاحات ادبی، فقهی، اصولی، معانی، بیان و دستوری)، (تهران: موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۴۴ش) ص ۱۰.
۸. سلیمی فر، مصطفی. نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن (مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ش) ص ۵۵.
۹. مخیرقی مردیهودی بود که در سال سوم هجری، در جنگ احد مسلمان شد، و همراه لشکر اسلام در جنگ شرکت جست و به شهادت رسید، او اموال خود را قبل از شهادت بر حسب وصیت در اختیار رسول خدا نهاد و پیامبر نیز آن را وقف کرد. عالمزاده، هادی. «نصبتین موقوفه در اسلام»، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال اول، ش ۳ (پاییز ۱۳۷۲ش) ص ۴۴.
۱۰. بهروان، حسین. همان، ص ۸۳.
۱۱. مسجد جامع سمنان در حکومت عبدالله بن عمر اعیان ساخته شده است. بعد از شیخ علاءالدوله سمنانی در زمان حکومت ارغون خان، شبستان جنوبی مسجد را بنا نمود. مقصود این مسجد مربع است که ۱۴ قدم در ۱۴ قدم می باشد، ارتفاع کفشد مقصوده ۱۴ ذراع است. در شمال شرقی مسجد مناری ساخته شده که ارتفاع آن از زمین سی ذراع است. این مناره از آثار دوره سلجوقیان می باشد.
۱۲. سازمان اسناد ملی ایران. اسناد حج و اوقاف، کد ۰۰۰۰۸۸۳.۲۵. محل در آرشبو ۷۷۱ ی ۱۲.

۲۷. بر تولد اسپوز. تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میر آفتاب (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ ش) چاپ پنجم، ص ۲۵۸.

۲۸. رشیدالدین فضل‌الله، تاریخ مبارک غازانی، به سعی و اهتمام و تصحیح کارل یان (هر نفورد: سنن اوستین، ۱۳۵۸ ق) ص ۲۵۸.

۲۹. شهابی، علی اکبر. تاریخچه وقف در اسلام، همان، ص ۶.

۳۰. هدایت، مهدیقلی (مخبر السلطنه)، گزارش ایران، ج ۲ (تهران: آبی نا، ۱۳۳۳ ش) ص ۳۲۷.

۳۱. همان، ص ۱۰۷.

۳۲. رشیدالدین فضل‌الله، همان، ص ۴۸.

۳۳. رشیدالدین فضل‌الله، و قننامه ربیع رشیدی، به کوشش ایرج افشار و مجتبی مینوی (تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰ ش) صص ۱۶-۱۸.

۳۴. شهابی، علی اکبر. «اوقاف» ایران‌شهر (نشریه شماره ۲۲ کمیسیون ملی یونسکو در ایران)، ج ۲ (تهران: چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش) ص ۱۲۶۹.

۳۵. فاضل یزدی مطلق، محمود. «وقننامه زین‌الدین ابوبکر خوافی» فصلنامه مشکوه، شماره ۲۲ (بهار ۱۳۶۸ ش)، صص ۱۹۵-۱۹۸.

۳۶. عطاردی، عزیزالله. تاریخ آستان قدس رضوی، ج ۲ (مشهد: انتشارات عطارد، ۱۳۷۱ ش) صص ۷۱۵-۷۷۲.

۳۷. آر. دی. مک جنسی. «مراحل اولیه تشکیل حرم علی علیه‌السلام در بلخ و موقوفات آن» اثر جمعه مهوش غلامی، فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال سوم، شماره اول (بهار ۱۳۷۴ ش) ص ۶۷.

۳۸. باستانی پازیزی، محمدابراهیم. سیاست و اقتصاد عصر صفوی (تهران: انتشارات صفی‌علیشاه، ۱۳۵۷ ش)، چاپ دوم، ص ۷۳.

۳۹. سلیمی فر، مصطفی. همان، ص ۸۰.

۴۰. شهابی، علی اکبر. تاریخچه وقف در اسلام، همان، ص ۶.

پهروان، حسین. همان، ص ۸۶.

۴۱. میراحمدی، مریم. «پژوهشی در موقوفات عصر صفوی»، همان، ص ۳۳.

۴۲. باستانی پازیزی، محمدابراهیم. همان، ص ۷۴.

۴۳. فلسفی، نصرالله. زندگانی شاه عباس اول، ج ۳ (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۴ ش)، چاپ سوم، ص ۸۷۷.

۴۴. راجر سیوری. ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲ ش) صص ۱۸۲-۱۸۳.

۴۵. فلسفی، نصرالله. همان، ص ۸۷۸.

۴۶. اسکندریک ترکان. عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار (تهران: انتشارات

امیر کبیر با شرکت کتابفروشی نایب‌اصفهان، ۱۳۳۵ ش) ص ۵۲۶.

۴۷. فلسفی، نصرالله. همان، ص ۸۷۸.

۴۸. همان، صص ۸۷۹-۸۸۰.

۴۹. اسکندریک ترکان. همان، ص ۷۶۱.

۵۰. فلسفی، نصرالله. همان، ص ۸۸۱.

۵۱. باستانی پازیزی، محمدابراهیم. همان، ص ۳۴.

۵۲. میراحمدی، مریم. همان، ص ۴۰.

۵۳. مصطفوی رجالی، مینودخت. وقف در ایران (آبی جا: آبی نا، ۱۳۵۱ ش) ص ۵۳.

۵۴. سعیدی رضوانی، عباس. «پیش و پدیده‌های جغرافیایی» فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سوم، شماره ۲ (تابییز ۱۳۶۷ ش) صص ۹-۷.

۵۵. اصیلی، سوسن. همان، ص ۱۰۸.

۵۶. درازی، عبدالله. تاریخ کامل ایران (تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۷۱ ش)، چاپ نهم، ص ۲۴۱.

۵۷. ان. لمبتون. مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتب، ۱۳۴۵ ش) ص ۳۵۵.

۵۸. سینتا، عبدالحمین. تاریخچه اوقاف اصفهان (اصفهان: اداره کل اوقاف منطقه اصفهان، ۱۳۴۶ ش)، صص ۳۳۰-۳۴۳.

۵۹. سزایان اسناد ملی ایران.

۶۰. مصطفوی رجالی، مینودخت. همان، ص ۵۴.

۶۱. اصیلی، سوسن. همان، ص ۱۰۸.

۶۲. میرزا اسماعیل خان همدانی مستوفی. آثار الرضویه من منتخبات الصدیقه (مشهد: آبی نا، ۱۳۱۷ ق). «دینچه کتاب».

۶۳. مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۲ (تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۱ ش) چاپ سوم، ص ۴۰.

۶۴. عطاردی، عزیزالله. همان، ص ۵۵۵.

۶۵. میرزا اسماعیل خان همدانی مستوفی. همان، ص ۱۳۰.

۶۶. سپهران، ض. «وقف‌نامه‌های سمرقند»، نشریه پیام نوین، ج ۱۱ (۱۳۵۴ ش)، شماره دوم، صص ۶۶-۶۷.

۶۷. میرزا اسماعیل خان همدانی مستوفی. همان، ص ۱۴۳.

۶۸. همان، صص ۱۵۷-۱۵۸.

۶۹. نام سابق بهشهر.

۷۰. درگز.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



